

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا رسول الله و آله الطیبین الطاهرین المعصومین و اللعنة الدائمة علی اعدائهم اجمعین

اللهم وفقنا و جمیع المشتغلین و ارحمنا برحمتک یا ارحم الراحمین

از جمله ی روایاتی که مرحوم شیخ برای تأیید مسالهی فضولی آوردند روایتی است که راوی اخیرش ابن اشیم که فعلا هم معلوم نیست کیست این ابن اشیم ایشان این روایت را نقل کرده است . روایتی است مفصل که دیروز اجمالا عرض کردیم این روایت ابن اشیم در کافی آمده در فقیه نیامده در تهذیب هم دو بار به اصطلاح این ذکر شده در تهذیب دو بار آمده است .

عرض کنم به این که حالا می خواهید سندش را از کافی ، کافی این روایت را در باب نوادر آورده از همان اول معلوم است که ایشان اشکال داشته در روایات و مرحوم شیخ طوسی دو بار یکی به نظرم در وصیت یکی هم در باب عتق است در بیع حیوان است دو بار در کتاب تهذیب آوردند در کتاب تهذیبشان دو بار آوردند در هر دو بار حالا این واقعا این دقتی را که مرحوم شیخ فرمودند خیلی قابل اعتناء است انصافا هر دو بار در باب زیادات آوردند خیلی عجیب است .

چون باب زیادات چون عرض کردیم کتاب تهذیب شرح مقنعه ی شیخ مفید است ایشان عباراتی از شیخ مفید می آورد و روایاتی را می آورد و آنجا هم شبه استدلالی دارد اوائلش مخصوصا معارضی داشته باشد نقل می کند رد می کند ، بعد از اینکه ایشان کتاب را نوشتند به ذهنشان رسید که بعد نه بعد بعد ظاهرا از همان جلد دوم سوم مثلا ، که یک عده از روایات دیگر را هم بیاورند تعبیر ایشان در اول مشیخه این بود برای اینکه استقصاء بشود کامل جمع کرده باشند برای این عنوان این را اسمش را زیادات گذاشتند .

مثلا ابواب افعال صلاة باب افعال صلاة کیفیة صلاة ممکن است مثلا هشتاد صفحه نود صفحه صد و بیست صفحه شده بعد باب الزیادات ، بعد از باب های مفصل یا بعد از یک کتاب مثلا کتاب القصد ، باب الزیادات یک زیاداتی ایشان دارند و این روایت را مرحوم شیخ طوسی دو بار هر بار در باب زیادات آوردند ،

یکی از حضار : سه بار آوردند

آیت الله مددی : من دو بار دیدم در کتاب جامع الاحادیث

یکی از حضار : همین این عبارتش فی عبد لقول ماذون

آیت الله مددی : عبد ماذون بله

یکی از حضار: داخل همان باب العتق واحکام آوردند

آیت الله مددی: باب؟

یکی از حضار: عتق.

آیت الله مددی: اما زیادات عتق است.

یکی از حضار: زیادات یک بار آوردند بعد وسطش عتق دوباره باب زیادات، یکی ۲۰ است یکی ۲۱ زیادات.

آیت الله مددی: دو بار در یک باب در یک صفحه با یک؟

یکی از حضار: نه ۲۲۴ است آن صفحه‌ی ۲۳۲ باب عتق هم ۲۱۶ است سه مرتبه آوردند

آیت الله مددی: من به نظرم وسائل دوبار نوشته است به نظرم، نه جامع الاحادیث دوبار نوشته به نظرم. آن وقت سند هم به همان به

حسن بن محبوب شروع کردند؟

یکی از حضار: بله حسن دوباره بعدی هم بله.

آیت الله مددی: هر سه از؟

یکی از حضار: اولی عنه عن ابن محبوب است،

آیت الله مددی: عنه به چه کسی برمی گردد؟

یکی از حضار: عنه به حسین بن سعید ممکن است برگردد، چون حدیث برای حسین بن سعید عن الصفار بن یحیی عن یعقوب بن

شعیب

آیت الله مددی: پس این فرق می کند متنش هم شاید بفرمایید من به نظرم می آمد که سندش یکی باشد

یکی از حضار: عن عبد لقوم ماذون، بعدی خدمت شما عارضم عنه عن احمد بن ادریس عن احمد بن محمد عن حسن بن

محبوب عن صالح که

آیت الله مددی: عنه عن احمد بن محمد؟

یکی از حضار: عنه عن احمد بن ادریس

آیت الله مددی: پس از کلینی نقل کرده است.

یکی از حضار: از اینها عنه زیاد دارد تا بزوفری

آیت الله مددی: ها بزوفری، از بزوفری نقل کرده از مصادر قبلش نیست، بعدی از کیست؟

یکی از حضار: عن حسن بن محبوب عن صالح بن رزین

آیت الله مددی: مرحوم کلینی را هم بیاورید، کلینی هم در باب نوادر آورده است.

یکی از حضار: محمد بن یحیی عن احمد بن محمد عن الحسن بن محبوب

آیت الله مددی: ایشان از این راه آورده است مرحوم کلینی، یکی هم به همین چیز می خورد کلینی با احمد بن محمد با طریق مرحوم شیخ طوسی به هم می خورد.

ظاهر حدیث که سندش خوب اولش محمد بن یحیی از اجلاء احمد هم از بزرگان و حسن بن محبوب هم کذا یک صالح بن رزین دارد که محل کلام است یکی هم ابن اشیم.

ابن اشیم روشن نیست الان که بتوانیم بگوییم این شخصی که اینجا به این اسم است چیست اصلاً کیست این شخص، عرض کردیم در این کتاب محاضرات استاد حالا شاید هم مقرر نوشته، نوشته لم یرد فیه مدح، تشخیص داده نشده که هست.

یکی از حضار: طریقتش که حضرت استاد خیلی خوب است از طریق های صالح نمی دانم چرا می فرمایید، اخبارنا عدة من اصحابنا عن الحسن بن حمزة عن محمد بن جعفر مؤدب قال حدثنا محمد بن حسن صفوان قال حدثنا احمد بن محمد بن عیسی قال حدثنا الحسن بن محبوب عن صالح بن رزین لکتابه این طریق

آیت الله مددی: چه کسی نوشته این را؟

یکی از حضار: مرحوم نجاشی

آیت الله مددی: صالح بن رزین را؟

یکی از حضار: بله.

آیت الله مددی: نجاشی ندارد نه.

یکی از حضار: صالح بن رزین کوفی روی عن ابی عبد الله علیه السلام ذکره اصحاب الرجال روی عن منصور بن یونس له کتاب

رواه عن الحسن بن محبوب اخبارنا عدة من اصحابنا همین مفید و اینها می شوند عن الحسن بن حمزة

آیت الله مددی: در آن نسخه ای که آقای خوئی نقل کردند اخبارنا عدة من اصحابنا درش ندارد، مگر نسخه ی نجاشی فرق بکند.

یکی از حضار: این را خودم جمع آوری کردم بگذارید تا

آیت الله مددی: معجم آقای خوئی را بیاورید آقای خوئی ندارد نه، آقای خوئی این ذیل را ندارد بلکه خبرنا عدة من، حسن بن حمزة هم ندارد خبرنا عدة من اصحابنا عن ابی المفضل عن ابن بطه این را شیخ دارد نه آقای خوئی شاید یک کسی به این دو تا جمع کرده نه نجاشی، نجاشی ندارد نه، عبارت معجم را بیاورید، آقای خوئی ذکره اصحاب، مگر این نسخه ی جدید رجال نجاشی که چاپ کردند مگر در این نسخه ی جدید باشد.

یکی از حضار: در این چاپ جامعه مدرسین دارد

آیت الله مددی: خبرنا؟

یکی از حضار: بله، خبرنا دارد

یکی از حضار: صفحه ی چند؟

یکی از حضار: صفحه ی ۱۹۹، خوب این ۱۹۹ دارد این من هم از همین جا برداشتم.

آیت الله مددی: عرض کنم به اینکه حالا یا نسخه ی قدیم این طور است، معجم آقای خوئی را بیاورید صالح بن رزین یکی از حضار: معجم ندارد.

آیت الله مددی: معجم ندارد نه این ذیل را ندارد خبرنا عدة من اصحابنا ایشان این را ندارد،

یکی از حضار: نجاشی چند تا چاپ دارد؟

آیت الله مددی: نجاشی یک چاپ معروفی دارد که به قول خودشان برای هند و آن جاست بعد هم چاپ های متفرقه ای که شده است. آقای خوئی البته نسخه ای که در اختیارشان بوده چاپ متفرقه ای بود یک کتابخانه ی عادی که حالا نمی خواهم خصوصیاتش را بگویم یک چاپ خیلی عادی از کتاب، آن کتابی نبوده که نسخه ی قابل اعتناء باشد از آن نسخه نقل کردند دیدم چون من نسخه ی اصلی خود آقای خوئی را من دیدم از آن کتاب است. اما این چاپ جامعه مدرسین را چون ندیدم این یک دفعه ی دیگه نسخه ی جامعه مدرسین را بخوانید آقا

یکی از حضار: عرض کنم خبرنا عدة من اصحابنا عن الحسن بن حمزة عن محمد بن جعفر مؤدب قال حدثنا محمد بن الحسن الصفار قال حدثنا احمد بن محمد بن عیسی قال حدثنا الحسن بن محبوب عن صالح بن رزین بكتابه.

آیت الله مددی: نمی دانم حالا این چطور آورده ایشان و الا در نسخه ای که نقل شده و من فکر می کنم شاید نبوده الان چون من ، مشکل این چاپ جامعه مدرسین که چاپ کردند اختلاف نسخ را روی هیجده نسخه ایشان دیدند لکن مواصفات نسخه الان روشن نیست ، یعنی الان نمی دانیم که این ذیل در کدام نسخه است ، به هر حال روی هر دو بحث می کنیم .

اولا این سندی را که ایشان خواندند عدة من اصحابنا مرحوم نجاشی دارد ، حالا من بعد توضیح می دهم ، مرحوم شیخ ایشان نوشتند له کتاب رواه عنه حسن بن محبوب ، البته مرحوم نجاشی مع ذلک توثیق نکردند ، اولش نوشتند ذکره اصحاب الرجال روی عنه منصور بن یونس باصطلاح

یکی از حضار: کشی هم اسمی از صالح بن رزین ندارد .

آیت الله مددی: ندارد .

عرض کنم که ایشان ذکره اصحاب الرجال ، کشی ندارد برقی هم ندارد تصادفا یعنی الان در کتب حتی بالاتر از آن مرحوم شیخ طوسی در رجالش ندارد ، مرحوم شیخ طوسی در فهرستش دارد ، در رجالش مرحوم شیخ طوسی ندارد در فهرستش دارد توثیق هم نکرده چیزی نگفته .

یکی از حضار: از ابن بطه هم هست

آیت الله مددی: خوب این ابن بطه ایشان نقل می کنند عن عدة من اصحابنا عن ابی المفضل عن ابن بطه لکن در کتاب شیخ طوسی این جوری است عن احمد بن محمد عن ابن ابی عمیر ، ابن ابی عمیر را زیادی دارد عن الحسن بن محبوب .

در نسخه ی مرحوم نجاشی ابن ابی عمیر ندارد افتاده است ، احمد بن محمد هست اما ابن ابی عمیر ندارد عنوان ابن ابی عمیر افتاده است ایشان نقل نمی کند .

یکی از حضار: این هم در یک حاشیه است استاد این ابن ابی عمیر هم در حاشیه است

آیت الله مددی: حاشیه ی چه آقا فهرست ؟ در فهرستی که در معجم آقای خوئی نقل کرده هست اسم ابن ابی عمیر اما این که

یکی از حضار: احمد را گفته فی هامشها احمد بن محمد بن ادریس نه هست بله

آیت الله مددی: عرض کنم خدمتان که این صالح بن رزین البته مرحوم نجاشی دارد له کتاب رواه عنه حسن بن محبوب این را دارد لکن مرحوم شیخ قدس الله نفسه دارد له اصل ، تعبیر به کتاب نکرده است له اصل ، راجع به فرق بین اصل و کتاب شاید ده یا دوازده تا بیشتر فرق در کتاب و اصل آمده فعلا محل کلام ما اینجا الان نیست و نکات دیگری فعلا مطرح می کنیم .

در این ذیل بحث اول عرض کردیم مرحوم صاحب وسائل که اینها چون بحث‌های بیشتر فهرستی می‌کردند از اینکه شخص دارای اصل باشد مثلاً این حدیثش قابل اعتماد است می‌شود رویش، مثلاً اینجا صالح بن رزین له اصل و به تعبیر شیخ حسن بن محبوب از او نقل کرده این روایت هم حسن بن محبوب نقل کرده است. پس می‌شود گفت از اصل صالح بن رزین است و قابل اعتماد است. عرض کردیم این راه را اگر رفتیم اصطلاحاً اسمش را فهرستی گذاشتیم یعنی حدیث را قبول کردیم به خاطر این که مصدر قابل اعتماد است و عرض کردیم از زمان مرحوم وحید بهبهانی توثیقات عامه در میان ما رایج شد یکی از توثیقات هم همین بود که گفته بشود له اصل اگر گفته شد له اصل معنایش این است که ایشان ثقة است، آن وقت این دو تا را با هم دیگر فرق بگذارید البته چون آقایان فرق نگذاشتند لذا من تعرض می‌کنم.

اگر توثیق رجالی شد ایشان در هر جایی که صالح بن رزین باشد آن قابل اعتماد است اما اگر توثیق فهرستی شد در آن جاهایی که از اصلش باشد و حسن بن محبوب قابل اعتماد است نه مطلقاً چون فهرستی معنایش این است یعنی بعبارۀ آخری سر اعتماد اصحاب بر این است که اصل بوده و راه شناخت اصل هم روایت حسن بن محبوب است این نکته‌ی اجمالی در فرق بین دو تا. اولاً مرحوم عرض کردیم از آقای بروجرودی نقل شده من از این شاگردان مورد اعتماد نشنیدم لکن همین جور افواهی که مرحوم نجاشی فهرست ایشان حاشیه است بر فهرست شیخ طوسی، ظاهراً حرف بدی نباشد حالا اولاً نجاشی متعرض شیخ طوسی شده نجاشی شرح حال شیخ طوسی و کتاب‌هایش را داده است اما شیخ طوسی متعرض نجاشی نشده در فهرستش اسم نجاشی را نیاورده است اما نجاشی اسم شیخ طوسی را آورده است.

حالا فرق بین اینکه ناظر باشد یا نباشد این است اگر این کلمه‌ی ذکره اصحاب الرجال که مرحوم نجاشی آورده اگر این حالا بعدش اگر آن ذیل عبارت باشد که این تاثیر ندارد این ممکن است یک کنایه‌ای به شیخ طوسی باشد من خیال کردم آن طریق نجاشی وجود ندارد روی مبنای نسخه‌ی آقای خوئی حساب کرده بودیم، ایشان با کلمه‌ی ذکره اصحاب الرجال شاید می‌خواست بگوید که اسم ایشان در کتب رجال آمده اما در فهرس مشهور نیامده است.

ذکره اصحاب الرجال چون نجاشی گاه‌گاهی می‌گوید فهرستات، اصحاب الفهرستات یعنی حالا فهرست‌های معروف عرض کردیم چند دفعه حالا چند تا فوائد عرض کنیم عرض کردیم فهرست نجاشی یا شیخ معیارش اصولاً دو تاست یکی اجازاتی است که اینها داشتند یکی فهرس اصحاب، از مجموعه‌ی فهرس و اجازات این کتاب جمع شده است، اجازات فرقی با فهرس این است که هردو طریقند یک فروع دیگر هم دارد که نمی‌خواهم الان متعرض بشویم لکن آن بارزش را عرض می‌کنم.

طریق شخص است به کتب حالا چون ممکن است به اشخاص هم باشد غیر از کتب فعلا وارد آن قسمت نمی شویم اگر این طریق را به کتب مخاطب خاص دارد به آن می گوئیم اجازه مخاطب خاص ندارد می گوئیم فهرست . مثلا شیخ طوسی بگوید من کتاب صالح بن رزین را مثلا اجازه بدهد به کسانی که در نجف آمدند از ایشان اجازه گرفتند یا بغداد اجزت لک ان تروی کتاب صالح بن رزین مثل همین اجازه ای که در فهرست اگر گفت اجزت لک این مخاطب خاص است این می شود اجازه اما اگر نه یک کتاب عامی نوشته که کتاب صالح بن رزین را من از این طریق نقل می کنم مخاطب خاص ندارد این می شود فهرست ، فرق اساسی بین اجازه و فهرست اصولا این است و الا هر دو اجازه هستند .

و عرض کردیم کلمه ای اجازه را ما به کار می بریم در مقابل اسناد ، اگر طریق به حدیث باشد اصطلاحا اسناد می گوئیم اگر طریق به کتاب باشد اصطلاحا اجازه می گوئیم روشن شد ، اجازه اگر مخاطب خاص باشد اصطلاحا اجازه می گوئیم ، مخاطب خاص نباشد فهرست است ، البته وقتی فهرست را می نوشتند بعد هم فهرست را اجازه می دادند مرجعا یکی بود دقت می کنید ؟ اما نکته اش این بود که مثلا شیخ طوسی از ابن غضائری پدر نقل می کند از مرحوم مفید نقل می کند این دو تا فهرست نداشتند ، لذا ظاهرا این دو تا اجازه دادند هم نجاشی نقل می کند هم شیخ طوسی در فهرست ، این فرقی این است که این ها ظاهرا اجازه دادند .

اما ما گاهی دیدیم که این دو تا خلط شدند این باز یک مشکلی است یعنی این ضابطه ای که عرض کردیم نمی توانیم یک ضابطه ای کلی قرار بدهیم گاهی این دو تا با همدیگر خلط شدند یکی نیست .

مثلا مرحوم نجاشی اگر بیاورید در ترجمه ای ابن الولید محمد بن الحسن بن ولید که اجازه ای داده به ابن ابی جید ، ابن ولید را اگر ببینید تعبیر کرده که ایشان به او اجازه داده این در ترجمه ای ابن الولید دارد . از آن طرف در ترجمه ای اسماعیل بن جابر جعفری اگر بیاورید در نجاشی می گوید اسماعیل بن جابر جعفری کذا روی فلان فی فهرست ابن الولید تعبیر می کند از آنجا در فهرست با اینکه کتاب یکی است دیگر یا اجازه است یا فهرست ، ایشان یک جا تعبیر

یکی از حضار : کتاب ذکره محمد بن الحسن ابن الولید فی فهرسته

آیت الله مددی : فی فهرست بعد می گوید اخبرنا ابن ابی جید علی بن احمد ، از راه ابن ابی جید ، آن وقت خود ابن الولید نوشته اجازه داده به ابن ابی جید ، یک جا تعبیر به اجازه داده است ، ظاهرا فهرست بوده فهرست را به ایشان اجازه داده است .

در یک جا تعبیر کرده به فهرست یک جا تعبیر کرده به اجازه ظاهرا نکته اش این باشد و الا عاداتا اجازه غیر از فهرست است بله فهرست را اجازه می دادند خود کتاب یعنی وقتی که مرحوم صدوق مثلا فقیه نوشته ، خصال نوشته ، علل الشرائع نوشته خود صدوق هم یک

کتاب به نام فهرست نوشته مثلاً یکی از کتاب‌هایش فهرست است اجازاتی که دارد به کتب اصحاب آورده است طریقی که به اصحاب دارد آورده است .

آن وقت وقتی که می‌خواسته اجازه بدهد فرض کنید مثلاً به پسر ابن الولید اجازه داده همه‌ی کتبش را اجازه می‌داده هم علل الشرائع هم خصال هم فقیه و هم فهرست ، فهرست را هم اجازه می‌داده است آن وقت پسر ابن الولید این‌ها را همه را اجازه داده به مفید بغداد آمده همه را اجازه داده به مفید . مفید هم همه‌ی اینها را اجازه داده به شیخ صدوق روشن شد ؟ شیخ طوسی و شیخ مفید .

لذا مرحوم شیخ صدوق این جوری مثلاً می‌گوید خبرنی به مثلاً شیخ مفید از پسر ابن الولید از صدوق ، آن وقت فهرست طرق به کتب بوده آن چه که در فهرست بوده به این اضافه می‌کرده است این نحوه‌ی ترتیب فهرست صدوق و فهرست نجاشی است .

پس بنابراین تا اینجا روشن شد البته کلمه‌ی رجال هم یک مشکلی دارد نجاشی حالا این چون مواردش را چون شرح جداگانه بدهیم به صورت مباحث خاص فهرستی اگر حالی کردیم در ماه رمضان امسال توضیحات بیشترش آنجا خواهد آمد فقط من یک مورد بگویم این هم در نجاشی گاهی مشکل دارد مثلاً مرحوم نجاشی در حمید بن زیاد اگر نگاه بکنید کتاب رجال به ایشان داده ، کتاب الرجال را به جناب حمید بن زیاد ایشان نسبت داده است در یکی دو مورد در خود کتاب ذکره حمید فی فهرسته ، این کلمه را بیاورید .

یکی از حضار : ذکره حمید فی فهرسته ، حمید بن زیاد فی فهرسته مثلاً

آیت الله مددی : با اینکه ایشان در کتب ایشان فهرست به ایشان نسبت نمی‌دهد ، در خود حمید بن زیاد رجال به او نسبت می‌دهد . این هم یکی از مواردی است که دیگر حالا شرح خاصی دارد که فعلاً لا اقل تذکرش را بدهیم نکته‌ی لطیفی باشد یکی از حضار : پس فرمودید فهرست هم طریقی نداشته است ؟

آیت الله مددی : نه همان رجال ، رجال چرا طریقی به کتب رجالش دارد ، از طریقی همان ابن الانباری و اینها .

علی ای حال و لذا خوب دقت کنید فهرست نجاشی بیشترین مطالبش از فهارسی است که در قم است . این که ایشان می‌گوید ذکره اصحاب الرجال این اشاره‌ای است ظاهراً این طور مرادش باشد که در فهرستات اسم صالح بن رزین نیامده است ، حالا فهرست‌هایی که در اختیار نجاشی بوده یکی فهرست ابن قولویه است که ایشان بغداد بوده لکن در قم ظاهراً شاید تأمین کرده است یکی فهرست ابو غالب زراری است یکی فهرست ابن الولید است یکی فهرست صدوق است یکی فهرست ابن بطة است این فهرست‌ها در اختیار مرحوم نجاشی و شیخ بوده از این که نجاشی می‌گوید ذکره اصحاب الرجال این اشاره به این است که ایشان اسمش در فهرست‌ها نیامده است .

آن وقت اگر آن نسخه‌ای که الان شما خواندید درست باشد ببینید شما نسخه‌ی نجاشی که خواندید یک دفعه‌ی دیگر بخوانید در همین صالح بن رزین عن به اصطلاح

یکی از حضار: عدة من اصحابنا، عن الحسن بن حمزة

آیت الله مددی: ببینید عدة من اصحابنا، شیخ مفید هست ابن غضائری هست عرض کردم یکی از سادات بزرگواری که در ایران بوده مرحوم حسن بن حمزة از خاندان مرعشی‌ها از سادات مرعشی، حسن بن حمزه مرعشی طبری ایشان از اجلاء علماست ایشان یک سفر به بغداد می‌آید ۳۵۰ مشایخ بغداد از ایشان اجازه می‌گیرند این یکی از حلقه‌های ربط بین بغداد و ایران است و قم که این در اختیار مرحوم نجاشی بوده یکی از راه‌هایی که مرحوم نجاشی چون ما همیشه عرض کردیم خود این که این کتاب برای کجاست یک و طریق و راه را، راه نجاشی به قم مثلاً یکی از راه‌های مهم نجاشی به قم ابن ابی جید به ابن الولید چرا این خیلی مهم است چون قرب اسناد دارد چون یک فاصله‌ی تقریباً شصت، هفتاد ساله را ایشان با یک واسطه نقل کرده است.

ابن الولید متوفای ۳۴۳ است ایشان بعد از ۴۰۸ یعنی بعبارة آخری ۶۵ یا ۶۶ سال بعد وارد بغداد می‌شود نسخه‌ی ابن الولید را ایشان نقل می‌کند ببینید با یک واسطه، اما خود مرحوم شیخ صدوق یا شیخ طوسی یا نجاشی گاهی اوقات از ابن الولید از مفید از پسرش به دو واسطه لکن قرب اسنادشان همان ابن ابی جید است این یک نکته‌ی لطیفی است در مباحث فهرستی که رابط، لذا عرض کردیم که تحلیل‌های فهرستی به لحاظ سند و اجازه غیر از بحث سندی است که ما در کافی مثلاً می‌بینیم یا در فقیه می‌بینیم، سند را یک جور تحلیل می‌کنیم فهرست را یک جور دیگری تحلیل می‌کنیم.

یکی از مطالب مهم طرق مرحوم شیخ طوسی و نجاشی به مصادر قم به فهارس قم به میراث‌های قم یکی همین ابن حمزه است که نجاشی از او نقل می‌کند. نجاشی ابن حمزه را ندیده با یک واسطه از ایشان نقل می‌کند مشایخ بغداد که از ایشان اجازه گرفتند نجاشی از آنها نقل می‌کند، از آن مشایخ بغداد.

حالا دقت کار مرحوم نجاشی، بعد گفته محمد بن جعفر در آن جا دارد صفار، محمد بن جعفر مؤدب عرض کردم این مؤدب یعنی آموزگار ادب این ادب در اینجا مراد ادب القول است که اصطلاحاً ما به آن می‌گوییم ادبیات یک ادب الفعل دارد که ما اصطلاحاً به آن می‌گوییم اخلاق این مؤدب چون ایشان نحو و صرف و لغت و علوم ادب را تدریس می‌کرد مؤدب به ایشان می‌گفتند، ایشان همان ابن بطة معروف است، ابن بطة عرض کردیم در تاریخ علمای ما یک ابن بطة داریم این سنی است، یک ابن بطة داریم این شیعه است دو نفرند. آن یکی سنی است ابن بطة، بطة یعنی مرغابی این بطة شاید کلمه‌ی فارسی بوته بوده حالا تعریب شده بطة شاید احتمالاً.

یکی از حضار: بطة با طاء دسته دار دیگر؟

آیت الله مددی: بله با طاء دسته دار است.

علی ای حال ابن بطة این همان ابن بطة شیخ هم از ابن بطة آن وقت این شاید اشاره‌ی نجاشی به این باشد که در بقیه‌ی فهارس این کتاب نیامده اما در کتب رجال آمده و در فهرست ابن بطة، خوب دقت کردید؟ یعنی مرحوم ابن الولید ندارد ابن قولویه ندارد دیگران ندارند فهرست صدوق ندارد اما فهرست ابن بطة این را دارد.

آیا از کلمه‌ی ذکره اصحاب الرجال درمی‌آید اگر مخصوصاً قائل باشیم که ایشان ناظر به کتاب شیخ هست احتمالش قوی است البته ایشان خودش هم آورده سند به ابن بطة آورده اگر این سند درست باشد می‌گوییم فعلاً این نسخه را چون من ندیدم باید بررسی بشود که این نسخه صحتش تا چه مقدار است آن نسخه‌ای که الان چاپ شده بوده به طور متعارف همان چاپ بمبئی و اینها بوده در آنها سند نبوده اما به هر حال فعلاً حتی سند نجاشی هم به ابن بطة برمی‌گردد.

یکی از حضار: اصحاب الرجال معلوم هم نکرده چه کسانی گفتند؟

آیت الله مددی: یعنی کتب رجال مثل کشی مثل فرض کنید برقی و اینها ندارد.

یکی از حضار: نبود نه گشتم.

آیت الله مددی: ندارند.

آن وقت احتمال دارد پس یک چیز ببینید دقت کنید وقتی می‌گوییم ناظر است ناظر درش این نکات هست، پس یک چیز این است که در فهرستات نیامده الا فهرست ابن بطة شاید یک نکته‌ی دیگری هم می‌خواهم به شیخ کنایه بزنم تعریض شاید، شاید نمی‌دانیم، تعجب این است که شیخ در رجال هم اسم ایشان را نیاورده است، و تعجب این است که نجاشی تصریح می‌کند کتب رجال اسم ایشان را آوردند شیخ نقل نکرده است این هم خیلی عجیب است این هم نکته‌ی دوم است، اگر واقعا ناظر به عبارت شیخ باشد.

آن وقت برای اثبات اینکه ایشان جنبه‌ی رجالی هم دارد می‌گویید روی عنه منصور بن یونس این روی عنه این نکته‌ی رجالی است. یعنی مرحوم نجاشی البته اینکه ایشان از چه مصادری در رجال استفاده کرده فعلاً ما نمی‌دانیم این نکته را هم من توضیح دادم چون گفتیم امروز چند تا توضیح بدهیم که حالا این‌ها در محل خودش کمتر گفته می‌شود.

عرض کردیم مرحوم آقای خوئی در آن معجم جلد اول در مقدماتش در یک جایی دارند که مرحوم نجاشی آن چاپ اول چاپ نجف اگر پیدا بکنید که من از دفتر ایشان می‌آوردم در چاپ اول که دارم چاپ نجف نوشتند که مرحوم حاج آقا بزرگ طهرانی در مصفی المقال.

مصفی المقال ایشان چاپ شده در مؤلفی علم رجال است در کتب رجال ، عرض کردم بد نیست احتمال می دهم اوائل کار ایشان باشد خیلی فنی نیست مشکلات هم نسبتا زیاد دارد به هر حال ایشان نوشتند در مصفی المقال پانصد کتاب و رساله در باب رجال نسبت دادند که قبل از نجاشی بوده است .

عرض کردیم این مطلبی که ایشان اولاً در مصفی المقال کلا نیست این عدد کلا نیست در این چاپی که الان شما از معجم دارید اولش اگر نگاه بکنید ایشان نوشته مائة کتاب ورسالة صد نوشته خمس مائة شده صد ، حالا در نسخه ای که من دارم چاپی دارم الان موجود است ، آنجا عدد پانصد دارد حالا دیدند اشتباه است چه کسی فهمیده اشتباه است خود ایشان دیگران بعد کردند صد کتاب و عرض کردیم بعد از این هم خود مرحوم حاج آقا بزرگ تعجب است از آقای خوئی خود مرحوم حاج آقا بزرگ در الذریعة به نظرم جلد ده است فصل رجال ، ر را نگاه کنید اصلاً ایشان یک قسمت زیادی را رجال آورده رجال فلان رجال فلان به این عنوان به نظرم حساب کردم دویست و خورده ای چقدر سیصد و خورده ای است .

خود مصفی المقال به نظرم نزدیک چهارصد تا است یعنی مصفی المقال تا زمان خود ایشان به پانصد تا نرسید نه پانصد تا قبل از نجاشی ، خود مصفی المقال کلا پانصد تا ندارد . علی ای حال لکن عبارات ایشان در ذریعة شاید بهتر باشد جلد ۱۰ ذریعه ، ذریعه جلد دهم به نظرم جلد ده یا یازده ، جلد نه ، ده ، آن جلدی که درش رجال است نگاه بکنید شماره دارد ، یعنی کتب رجال را شماره گذاری کرده که کلا چقدر کتاب در رجال است .

البته باز هم کتاب های رجال دیگر هست اینها را به عنوان رجال نوشته آن کتب دیگر را با عنوان خودش مثلاً کتاب رجال کشی معروف به رجال کشی است اما روی کتاب نوشته اختیار معرفة الرجال لذا اینجا نوشته رجال کشی نوشته مر در حرف الف اختیار معرفة ... دقت می کنید یعنی یک دفعه یک اسمی را به عنوان رجال آورده یکی هم اسمی که خود کتاب است ، غرض ایشان در رجال نسبتاً تطبیع بیشتری کرده در ذریعه و توضیحات کافی را در این جهت عرض کردیم در مباحث فهرستی که چند سال قبل داشتیم با آقایان توضیحاتش را دادیم اشتباهات ایشان بعضی از اشتباهات را توضیح دادیم و دیگر حاجتی به تکرارش نیست .

نه آن صد تا درست است نه پانصد تا درست است این مطلبی را که آقای خوئی نقل کردند اولاً این مطلب که نیست در مصفی المقال که ما ندیدیم پیدا نکردیم حالا اگر کسی پیدا کرد لکن بعد از این یعنی بعد از مطلب آقای خوئی چندین مقاله بلکه کتاب مستقلاً راجع به مصادر رجالی قبل از نجاشی نوشته شده است . بعضی ها هم کتاب مستقل نوشتند که ما چند تا کتاب رجالی عرض کردم یک مقدارش از مصفی است یک مقدارش از ذریعه است یک مقدارش هم کتب متفرقه است ، که چند تا کتاب رجالی ما تا قبل از مرحوم شیخ نجاشی

داشتیم و توضیحاتش را عرض کردیم متأسفانه اشتباه زیاد شده جابجایی زیاد شده دیگر حالا بخواهیم آن‌ها را شرح بدهیم چون طولانی

است شرحش یک مقدار زیادی را بیان کردیم شاید ۲۰، ۲۵، ۳۰ تا کتاب را که نسبت دادند و گفتیم ثابت نیست این کتاب‌ها

یکی از حضار: نتیجه‌ی نهایی چیست؟ چند تا فعلاً قبول کردید؟

آیت الله مددی: نمی‌شود روشن کرد، خیلی زور بزنیم ۱۵ تا ۲۰ تا اگر برسد.

علی ای حال توضیح، اصلاً بعضی‌هایش رجال نیست کلاً مثل همین فهرست نجاشی به اسم رجال چاپ شده است آن که اصلاً رجال نیست.

عرض کنم به این که خود این رجال برقی که مرحوم این اصلاً اسمش رجال نیست طبقات است حالا به هر حال وارد این بحث‌ها

نشویم چون می‌گویم تسمیه من شهد

یکی از حضار: خیلی اشکال به این محمد بن جعفر دارد،

آیت الله مددی: بله الان متعرض می‌شویم.

پس بنابراین اولاً یک نکته این است که در عبارت نجاشی می‌گوید ذکره اصحاب الرجال ظاهراً کلمه‌ی رجال در اینجا به معنای خودش باشد فهرست نباید باشد، خیلی هم عجیب هم هست که در اصحاب رجال آمده که شیخ در کتب رجال اسمش را نبرده است شاید می‌دانید این سه بزرگوار نجاشی فقط فهرست دارد کشی فقط رجال دارد و شیخ رجال و فهرست هر دو را دارد. این سه تا بزرگواری که مطرح هستند، شیخ رحمه الله هم رجال هم فهرست دارد، شیخ فقط در فهرستش آورده این عبارتی که شما نشان دادید این را نجاشی هم آورده است.

پس شاید مراد نجاشی رحمه الله این باشد که در فهرس دیگر نیامده است، یک مشکل دیگری در اینجا شیخ تعبیر کرد له اصل همین سند داده سند یک مشکل دارد از ابن بطه نجاشی گفته له کتاب، حالا فرق بین اصل و کتاب را عرض کردم زیاد شده نوشتند آقایان، احتمال دارد من یک کتابی دیدم فارسی تازگی دیدم چاپ شده باب اسانید یا رجال در کتب یهود چنین چیزی راجع به یهود و سلسله سند که این مثلاً سند ابتدائاً در کتب یهود بوده مثل همین بحث‌های رجالی ما اسم کتاب یادم رفته است چاپ شده در ایران چاپ شده اما اسم کتاب یادم رفت.

ایشان یک حاشیه‌ای دارد به یک مناسبت در همان اوائلش که نشان داده می‌شود در همان یونان باستان که شاگردا نزد مثلاً استادها می‌نوشتند یا حاضر می‌شدند ظاهراً یک مقدار در سر درس می‌نوشتند نسخه برداری می‌کردند می‌نوشتند که به اصطلاح یک لفظی آورده

ایشان لفظ انگلیسی یا یونانی یادم رفته چون حفظ نکردم معادل چرک نویس فارسی ما می شود . این معادل چرک نویس ظاهرا بعد که منزل می رفتند و اینها را بررسی می کردند و تنظیم می کردند و مرتب می کردند چیزی شبیه معادل پاک نویس می شده است .

احتمال دارد عرض کردم کرارا کرارا کوفه تاثیرش در کتابت و کار فرهنگی قوی است چون هم جزو ایران بود و هم از ملل مختلف در آنجا بود یعنی ایرانی ها و غیر ایرانی ها و هم یهود در آنجا سابقه داشت و هم نصرانی ها مسیحی ها در آنجا سابقه داشتند به خلاف مثلا خود مکه و یا مدینه ، مدینه فقط یهود سابقه داشت اما این تالیفات سابقه ی تالیفی اش در کوفه خیلی زیاد است و ترتیب کار و اصول فنی کار و همین تفکرات منشاء شد که کوفه به رای و قیاس و به این جور فقه مقاصد و ملاکات و اینها را حساب بکنیم به این جهت بیشتر نزدیک شدند ، فقه کوفه به این طرف رفت .

حالا آیا واقعا این تاثیر آن زمان بوده است ، چون عرض کردم کرارا در اصطلاح اهل سنت اصل به معنای آن نسخه ی اصلی است که ایشان در درس استاد نوشته است ، مثلا احمد بن حنبل نوشتند مثلا دو هزار استاد دیده یک میلیون و هفتصد هزار حدیث نوشته یعنی وقتی نزد استاد حاضر می شده است می نوشته ، بعد می آمدند این ها را جابجا می کردند تنظیم می کردند مقابله می کردند تعارض هایش را پیدا می کردند سِقَط و سَقَط را و همه ی مشکلاتش .

مثلا این کتابش نزدیک بیست و نه هزار حدیث دارد این بیست و نه هزار حدیث را از یک میلیون و هفتصد هزار حدیث انتخاب کرده این احتمال ، عرض کردم سابقا اگر این مطلب درست باشد این احتمال دارد که کلمه ی اصل ریشه ی اصلی اش شاید همان در همان فرهنگ یونانی گرفته شده باشد به معنای مقابله ی بین چرک نویس و پاک نویس است .

شاید مرحوم شیخ قدس الله نفسه احتمال دارد مرادش از کلمه ی اصل این باشد ، ظاهرا وقت ما تمام شده این مطالبی است که خیلی ارزش دارد و امروز گفتیم که

یکی از حضار : حالا کدام معنا به کار رفته چرک نویس یا پاک نویس است ؟

آیت الله مددی : اینجا احتمالا به معنای چرک نویس به کار رفته است .

یعنی بعبارة شبیه اصلی که اهل سنت دارند .

یکی از حضار : به کتاب یعنی کافی نیست ؟

آیت الله مددی : ها کتاب یعنی بعد این را مرتب کرده است .

یکی از حضار : تبویب کرده ؟

آیت الله مددی: تبویب کرده یا مرتب کرده احادیثش بعضی هایش مثلاً معارض داشته، موضوع بندی کرده یا موضوع بندی هم نکرده مرتب کرده با احادیث دیگر مقارنه کرده است.

یکی از حضار: مثل املاء مثلاً

آیت الله مددی: املاء نه املاء خودش آن که حدیث بگوید استاد بگوید و بنویسد املی علینا

یکی از حضار: این را استاد گفته است نوشته است دیگر

آیت الله مددی: می دانم نه حدیث به این معنا که سالتة فقال کذا، این صالح بن رزین این طوری است سالتة، سالت ابا عبد الله فلان، دقت کردید آقا چه می خواهم عرض کنم.

این مطلب که مرحوم شیخ طوسی حالا خیلی هم اگر این نسخه ی نجاشی که ایشان گفتند این نسخه ی نجاشی هم درست باشد این مشکل را زیاد می کند چون هر دو از یک فهرست نقل کردند فهرست ابن بطّة

یکی از حضار: فهرست هم که مشکل دارد.

آیت الله مددی: حالا آن بحث را گذاشتیم برای بعد.

فهرست ابن بطّة دو تعبیر داشته له اصل له کتاب

یکی از حضار: هر دو تا را داشته است؟

آیت الله مددی: ظاهرش این طور است دیگر.

چون شیخ می گوید له اصل اخبرنا به جماعة عن ابی المفضل ابن بطّة

یکی از حضار: این اصل با آن اصول اربع مائة فرق می کند آنجا؟

آیت الله مددی: آها احتمالاً این اصل با آن فرق می کند.

یکی از حضار: اگر کمتر هم باشد آنها حجتند دیگر آنها را باید از حجیت بیاندازید.

آیت الله مددی: عرض کردم نمی خواهیم از حجیت بیاندازیم حالا می خواهیم این را بگوییم که یعنی از عبارت نجاشی که در رجال

آمده که اولاً ما الان در کتب رجال ندیدیم در فهرست، این عبارت معنایش این باشد که در بقیه ی فهرستات نیست اصلاً، چون نجاشی

می گوید این آقا کتاب دارد در جمیل خواندیم این آقا کتاب دارد طرّش هم خیلی فراوان است جماعات لکن من یکی ذکر می کنم.

این احتمال می آید که مثلاً کتاب صالح بن رزین در فهرست های دیگر بوده اما از یک فهرست نقل کرده همین فهرست ابن بطه می آید این احتمال اما از اینکه نجاشی می گوید ذکره اصحاب الرجال شاید اشاره به این باشد در فهرست ها نیست جز فهرست ابن بطه ، البته خواهیم گفت ان شاء الله چون وقت هم تمام شده فردا راجع به ابن بطه یک کمی صحبت می کنیم یک کمی هم راجع به دو تا نسخه ای که الان از ابن بطه هم هست .

معلوم می شود در اینجا دو تا نکته ، دیگر از بحث مکاسب خارج شدیم بیع فضولی یک کمی شما را گاهی در فضایی که گفته نمی شود اقلاً یک کمی با این مسائل آشنا بشویم با مصادر اصحاب و کارهایی که اصحاب شده است دقت می فرمایید این فهرست ابن بطه حالا خواهد آمد که فردا عرض می کنم نجاشی می گوید و فی فهرسة ما رواه اغلاط كثيرة .

اگر این مطلب چون عرض کردم خوب دقت کنید این ذکره اصحاب الرجال کلام اثباتی است نفی درش ندارد درش نفی نیست که در فهرستات نیست ، دقت می کنید ؟ لکن اگر بگوییم به این قرینه که خود ایشان آورده از ابن بطه و شیخ هم از ابن بطه و ایشان هم ناظر به شیخ باشد معلوم می شود فقط در ابن بطه بوده حالا فقط مشکل این است شیخ می گوید در کتاب ابن بطه بوده له اصل نجاشی می گوید له کتاب رواه عنه حسن بن محبوب آن وقت طریقتش را به ابن بطه می آورد .

یکی از حضار : تصریحی دارد نجاشی از خود ابن بطه که مثلاً بگوید ابن بطه اشتباه نکرده اصل نداشته ایشان .

آیت الله مددی : تصریح چه عرض کنم می گوید و فی فهرسته غلط کثیر دیگر تصریح چیست ؟

یکی از حضار : همین می خواهم بگویم که تصریح انجام می داده است .

آیت الله مددی : می گفت که این صاحب خانه ی ما مؤدب و با احترام گفت بروید خانه اجاره بفرمایید شما گفت چطوری گفت ، گفت اثاث من را آورد گذاشت در کوچه ، اگر ادب این باشد که این طوری بگوید که از این عبارت غلط کثیره دیگر چه می خواهید از این عبارت روشن تر دیگر چه می شود اصلاً تصریح دارد غلط .

البته من فکر می کنم شاید همان نسخه ای که آقای خوئی نقل کردند درست باشد می خواهد اشکال بکند که حتی نسخه ی ابن بطه ثابت نیست شاید این ، حالا به هر حال چون این نسخه را من ندیده بودم .

حالا به هر حال تا اینجا کار این است که صالح بن رزین حالا چون دیگر مطلب هم مطرح شد ، آقای خوئی آخرش می فرمایند که مجهول لم تثبت وثاقته نعم وقع فی اسناد تفسیر علی بن ابراهیم ، می خواهید بیاورید آقا ما من الا له مقام ، در تفسیر علی بن ابراهیم ذیل این آیه سوره ی صافات ، له مقام معلوم ، الا وله مقام معلوم ایشان روایتی را از صالح بن رزین نقل می کند توثیق مرحوم آقای خوئی به

تفسیر علی بن ابراهیم است دقت فرمودید؟ یعنی آقای خوئی اولاً تصریح می کنند که به اصطلاح ضعیف است ایشان مجهول است بعد می گویند نه وقع، استدراک می کنند. این آیه مبارکه را در سوره ی صافات بیاورید الا وله

یکی از حضار: وما منا الا له مقام معلوم

آیت الله مددی: در سوره ی صافات. ذیل آن آیه، ایشان نوشته در تفسیر قمی در ذیل این آیه است.

یکی از حضار: عن حسن بن محبوب عن صالح، این شهاب بن عبد ربه

آیت الله مددی: نه خوب است این قبل از این خود حدیث را بخوانید.

یکی از حضار: خود روایت: یا شهاب نحن شجرة

آیت الله مددی: نه نه، سند را.

یکی از حضار: حدثنا احمد بن محمد بن محمد بن بویه قال حدثنا محمد بن سلیمان قال حدثنا احمد بن

محمد شیبانی قال حدثنا عبدالله بن محمد الطلسی عن حسن بن محبوب عن صالح بن رزین عن شهاب بن عبد ربه قال سمعت الصادق یقول

آیت الله مددی: الی آخره. خیلی سند عجیب و غریبی است من کرا را عرض کردم یکی از اشتباهاتی که متأسفانه در کتاب های آقای

خوئی خیلی زیاد است بعضی ها هم دیدم الحمدلله متنبه شدند و توجه کردند و بیان کردند ایشان این کتاب موجود را خیال می کنند برای علی بن ابراهیم و روایت برای علی بن ابراهیم است این اصلاً روایت برای علی بن ابراهیم نیست حالا غیر از اینکه

عرض کردیم این کتاب برای شخص دیگری است این که مرحوم آقای طهرانی هم نوشتند حاج آقا بزرگ که جامع است کتاب، جامع

هم نیست مؤلف دارد کتاب، مؤلف کتاب مقدار زیادی از این کتاب را از کتاب تفسیر علی بن ابراهیم آورده است، آن نسخه ی کتاب که در اختیار ایشان بوده نسخه ی خوبی نبوده است. مقدار زیادی هم از تفاسیر دیگری آورده است و این تفاسیر مقدارش را که می توانیم

بشناسیم مقدارش را هم نمی توانیم بشناسیم.

مثلاً این روایتی که الان آورده این روایت برای مؤلف کتاب است برای علی بن ابراهیم نیست، احمد بن محمد شیبانی را الان و

احتمالاً علی بن حاتم قزوینی این سند البته خود علی بن حاتم باشد خیلی طولانی است تا ابن محبوب نباید سند این قدر طولانی باشد،

این اصلاً سند مشوه است کاملاً مشوه است.

پس این مطلبی هم که آقای خوئی نوشتند که ایشان ثقة لوقوعه فی تفسیر علی بن ابراهیم ایشان در تفسیر علی بن ابراهیم واقع نشدند در این کتاب هست اما این کتاب برای علی بن ابراهیم نیست بلکه درش دارد ، قال علی بن ابراهیم حدثنی ابی فلان احادیث علی بن ابراهیم هست در این کتاب شاید ۶۵ تا نزدیک به ۶۸ درصد کتاب تفسیر علی بن ابراهیم است ، هست این مطلب و نسخه اش هم مشکل دارد و لکن غیر از آن هم دارد ، هم یک کتاب هایی دارد که تقریباً می توانیم تشخیص بدهیم هم چیزهایی دارد که نمی توانیم مثلاً این احتمالاً یک نسخه از حسن بن محبوب نزدش بوده خیلی مشوه است این نسخه خیلی مشوه است این نسخه اگر برای حسن بن محبوب باشد بسیار نسخه ی مشوهی است .

پس این مطلبی هم که در کتاب مرحوم آقای خوئی آمده که ثقة لوقوعه فی اسناد در اسناد علی بن ابراهیم خیر ایشان در اسناد علی بن ابراهیم واقع نشده است . این راه نه ، عرض کردیم دو راه دیگر از زمان های بعد پیدا شد یکی از زمان اخباری ها به خاطر اینکه ایشان اصل داشته به تعبیر شیخ دیگر نگفتند که آقا نجاشی گفته له کتاب نگفته له اصل یکی هم از بعد از وحید این توثیقات عامه گفتند اگر کسی گفته له اصل پس این ثقة است ببینید دو جور بحث شد بحث رجالی بحث ، روشن شد تمام بحث ها ؟ یکی از حضار : اصل به معنای متعارف منظورشان بوده است .

آیت الله مددی : ها اینها اصل به معنای متعارف ، نه حالا بحث دیگر نجاشی از همان مصدر نقل می کند می گوید له کتاب یکی از حضار : به خاطر ابوالفضل بوده نسخه ی ابوالفضل از ابن بطة فرمودید اشتباهش بیشتر است .

آیت الله مددی : آن هم خیلی مشکل دارد .

پس بنابراین نسخه ی نجاشی مشکل ندارد نجاشی از نسخه ی خوب کتاب ابن بطة نقل کرده است ، این نسخه ی خود نجاشی اشکال ندارد اما نسخه ی شیخ اشکال دارد چون درش ابوالفضل واقع شده است . یکی اشکال در سر کتاب است یکی اشکال در سر طریق و به اصطلاح نسخه هست که ان شاء الله فردا یک توضیح بیشتری عرض می کنیم . دیگر دیدیم حالا به این مناسبت دیگر نزدیک ماه رمضان هم هست ...

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرين